



انجمن‌های علمی و مسئله اخلاق علم

■ **سید آیت‌الله میرزایی**

■ جامعه‌شناس و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

■ ayatmir@ihcs.ac.ir

■ **معصومه قاراخانی**

■ جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

■ qarakhanim@gmail.com

مقدمه

در چند دهه گذشته توسعه بالا به پایین علم در ایران، که به طور عمده در رشد کمی علم خلاصه می‌شد (انتشار مقاله، افزایش رشته‌های علمی، دانشگاه‌ها و دانشجویان)، همواره مورد تأکید سیاست‌گذاران و حتی برخی دانشگاهیان بوده است. صرف نظر از دامنه پیامدهای این شیوه رشد علم، توجه چندانی به زمینه‌های اجتماعی و الزامات هنجاری و حرفه‌ای علم در ایران نشده است. اگر هدف نهادی علم «توسعه دانش از طریق مجموعه‌ای از وسایل فنی و اخلاقی» باشد (قانعی‌راد، ۱۳۸۵: ۷۳) ضروریات دستیابی به این هدف می‌بایست از آغاز فهم و مهیا شود. منظور از این ضروریات توجه اساسی به اجتماعات علمی و به طور مشخص دو ویژگی هراجماع علمی حرفه‌ای، یعنی ارتباطات علمی و سپس نظامی از هنجارها و اخلاقیات فضای کنش علمی است. الزامات و ضروریات یاد شده نیز صرفاً از درون خود اجتماع علمی برخاسته و هم حرفه‌ای‌های هر رشته تخصصی خودشان آن‌ها را محقق و صیانت می‌کنند. در وضعیت کنونی، فضای هنجاری لازم برای مشارکت علمی آن‌چنان‌که به کیفیت علم مربوط است فراهم نیست (بنگرید به میرزایی، ۱۳۹۳، قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۷) و نگاه حرفه‌ای به علم و نهادهای علمی کم‌رنگ است و حرفه‌ای‌های علم نیز در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های علمی کم‌تر نقش دارند.

این فرض وجود دارد که حرفه‌ای‌های یک رشته علمی نسبت به معیارهای فعالیت علمی‌شان آگاهی دارند و به شرافت علمی پای بندند؛ اما ممکن است همیشه این آگاهی در رفتار و نگرش آن‌ها بروز نیابد. در حال حاضر انتشار عمومی سوء رفتار در علم، توجه به مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی که به ارتقای رفتار مسئولانه منتهی می‌شود را به میان آورده است. اما وضعیت مسئله‌مند اخلاق حرفه‌ای علم در ایران هم نشان دهنده عدم آگاهی کنشگران علم از هنجارهای اخلاق حرفه‌ای علم و هم فاصله میان نگرش و کنش آنان است.

از آنجایی که اجتماعات علمی را کانون فعالیت های علمی می دانیم و علم را یک حرفه تلقی می کنیم بر این باوریم که مسئولیت های اجتماعی بسیاری متوجه اجتماعات علمی است. چنین فرض می شود که اجتماع علمی «نهادی غیررسمی متشکل از کنشگران علم و تعاملاتی / کنش هایی» است که نظامی حرفه ای از صلاحیت ها، معیارها، هنجارها، روال ها و قواعد خاص خود را مستقر می سازد» (فراستخواه و قانعی راد، ۱۳۸۶: ۶). به تعبیر دورکیم «فعالیت یک حرفه معین را فقط گروهی که به حد کافی با آن حرفه نزدیک هستند و قادرند طرز کار آن را خوب بشناسند و همه نیازهایش را حس کنند و همه تغییراتش را پی بگیرند، می توانند به نحو مؤثری به زیر قاعده و نظم در آورند» (دورکیم، ۱۳۸۱، ۱۳). به همین روی صیانت از آن نظم و قواعد مسئولیتی جمعی و گروهی است. اعضای اجتماع حرفه ای علم همان قدر که مشتاق بحث در مورد جنبه های پژوهش و مسائل مرتبط با آن مانند بودجه، آموزش و تعیین خط مشی ها هستند، بایستی به شرافت علم نیز به عنوان بخشی از زندگی حرفه ای توجه داشته باشند (کیلیق، ۲۰۰۳: ۲۲۶). در واقع، برای قضاوت های اخلاقی مرتبط با یک حرفه خاص، مانند علم، باید به اهداف آن حرفه، تعامل میان اعضای آن حرفه و تعامل میان اعضای آن حرفه و جامعه توجه داشت (رزنیگ، ۱۳۹۴: ۵۴). اجتماع علمی «یک نهاد مدنی ای دارای نظام هنجاری و تعاملاتی خاص و مورد وفاق کنشگران علم برای فعالیت علمی است». و اخلاق حرفه ای علم نیز «مجموعه ای از قواعد و ضوابط ایجابی و سلبی حرفه ای پذیرفته شده در اجتماع علمی و راهنمای کنشگران در فرایند آموزش، پژوهش، نشر و کاربرد علم است» (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰). در واقع یک نظام اخلاقی راهنمای کنش های حرفه ای علمی و یک نظام تعاملاتی اخلاقمند حرفه ای مورد وفاق کنشگران علمی، ارکان اصلی تشکیل یک اجتماع علمی حرفه ای هستند.



اگر هدف نهادی علم «توسعه دانش از طریق مجموعه ای

از وسایل فنی و اخلاقی»

باشد (قانعی راد، ۱۳۸۵: ۷۳)

ضروریات دستیابی به این هدف

می بایست از آغاز فهم و مهیا

شود. منظور از این ضروریات

توجه اساسی به اجتماعات

علمی و به طور مشخص

دو ویژگی هر اجتماع علمی

حرفه ای، یعنی ارتباطات علمی

و سپس نظامی از هنجارها و

اخلاقیات فضای کنش علمی

است. الزامات و ضروریات

یاد شده نیز صرفاً از درون

خود اجتماع علمی برخاسته

و هم حرفه ای های هر رشته

تخصصی خودشان آن ها را

محقق و صیانت می کنند.

به نظر اندرسون و شولتز (۲۰۰۳) برخلاف بسیاری از تحلیل های ابتدایی از اخلاق آکادمیک که در پژوهش های پیشین ارائه می شد و نیز نشریات عامیانه که بیشتر بر نقش فرد تأکید داشتند، در حال حاضر بر محیط فعالیت علمی و تأثیرش بر رفتار اخلاقی تأکید بیشتری می شود. این تأکید بر محیط علم منجر به توجه بیشتر به نقش انجمن های علمی در بحث از حرفه گرایی و رعایت شرافت علمی شده است. انجمن های علمی به مثابه اجتماعی علمی هستند و در تعریف «آن ها را سازمانی تخصصی برمی شمردند که بر اساس توافق و شرکت داوطلبانه گروهی از افراد متخصص در یک رشته علمی شکل می گیرند و به بخشی از روابط موجود و کنش متقابل نقش های علمی که به صورت مجموعه ای از ساخت ها و روابط رسمی و غیررسمی، پایدار و ناپایدار در سطح ملی و بین المللی وجود دارد، انسجام می بخشند» (شیبانی، ۱۳۷۳: ۸۱). بر مبنای این تعریف، «انجمن های علمی از سوی خود محصول این همکاری و ارتباط هستند و از سوی دیگر در جهت ایجاد گسترش و تعمیق و تسهیل ارتباطات علمی ایفای نقش می کنند» (همان، ۸۲). لزوم تصمیم گیری و مدیریت مشارکتی (آراسته، ۱۳۸۳: ۲۵) و نیاز به ارتباط در میان دانشمندان (وستفال، ۱۳۸۷: ۱۶۴) به مثابه اجتماعات حرفه ای از نقش های مهم انجمن های علمی ذکر شده است. نقش حرفه ای دانش محور انجمن های علمی را به طور خلاصه می توان «بازآموزی، ارتباطات علمی، آموزش، پژوهش و مشاوره» دانست (آراسته، ۱۳۸۳: ۲۵). یا این که نقش ها را به گستره ای از دیگر کارکردهای انجمن ها که شامل: (۱) ایجاد ارتباطات علمی (۲) تعیین و هدایت اولویت های تحقیقاتی در میان اعضای انجمن ها، (۳) ایجاد و اعمال هنجارها و استانداردهای علمی، (۴) دفاع از منافع حرفه ای دانشمندان در جامعه و (۵) کنترل نسبی بر کاربرد نتایج تحقیقات علمی در جامعه نیز بسط داد (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۳۳). که همگی به عنوان نقش حرفه ای انجمن های علمی به مثابه اجتماعات علمی حرفه ای در نظر گرفته می شوند. اهل علم، اغلب عضو یکی از انجمن های علمی اصلی هستند و در نشست های سالانه، جلسات و مجلات انجمن ها مشارکت دارند. این وضعیت فرصتی برای ملاقات های حرفه ای ایجاد می کند و سبب می شود تا انجمن های علمی سهم عمده ای در آموزش و نظارت بر اخلاق

حرفه‌ای علم داشته باشند. با این توضیح، در این نوشتار تلاش می‌کنیم به نقش انجمن‌های علمی در ترویج اخلاق علم بپردازیم.

پیدایش انجمن‌های علمی

انجمن‌های علمی «به‌عنوان نماینده حرفه» (برد، ۱۹۹۸: ۳۱۶) نمودی عینی از ساختار اجتماعی علمی و تبلوری از ویژگی‌های مطرح‌شده درباره اجتماعات علمی هستند که در شرایط اجتماعی خاصی ظهور کردند. به گفته وستفال، اروپای سده هفدهم شاهد تشکیل انجمن‌های علمی بود که خود نشانه‌ای از قدرت فزاینده جنبش علمی بودند. نهادهای خودجوشی که آموزشی نبودند، بلکه سازمان‌هایی بودند که علم را به پدیده‌ای فکری و نیز جامعه‌شناختی تبدیل کردند. آکادمی لینیچی که در نیمه اول سده هفدهم در رم شکوفا شد قدیمی‌ترین سازمان شناخته‌شده‌ای است که شاید بتوان آن را انجمن علمی نامید. آکادمی لینیچی که ساختی غیررسمی داشت و تقلیدی از گروه‌های ادبی انسان‌گرایان ایتالیایی بود، تجمعی از دوستان همفکر به شمار می‌آمد که در آن می‌شد درباره موضوع‌های فلسفه طبیعی بحث کرد. در کشورهای دیگر اروپای غربی گروه‌های غیررسمی شبیه آکادمی لینیچی در نیمه نخست قرن هفدهم ایجاد شد (وستفال، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۷). جیمز کونت قرون هفدهم و هجدهم را قرن انجمن‌های علمی می‌داند. فرهنگستان علوم ایتالیا اولین فرهنگستانی است که در سال ۱۶۰۳ پایه‌گذاری شد. پس از آن انجمن سلطنتی انگلیس یا لندن در سال ۱۶۶۰ بنا شد و در سال ۱۶۶۲ لقب سلطنتی گرفت. فرهنگستان علوم پاریس در سال ۱۶۶۶، فرهنگستان علوم برلین در سال ۱۷۰۰ و جامعه فلسفی فیلادلفیای آمریکا در سال ۱۷۴۰ پایه‌گذاری شدند. به دنبال تشکیل انجمن‌های مذکور پایه‌گذاری دیگر انجمن‌های علمی سرعت گرفت تا جایی که در سال ۱۷۹۰ شاهد حضور حدود ۲۲۰ فرهنگستان علوم بوده‌ایم (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۳۲). رشد علوم تجربی در قرن هیجدهم، زمینه تشکیل انجمن‌های علمی تخصصی را فراهم ساخت. انجمن‌های علمی در اروپا و آمریکا به‌طور عمده، از نیمه دوم قرن نوزدهم گسترش یافتند. امروز انجمن‌های علمی فعالیت خود را فراتر از مرزهای ملی، به سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کشانده‌اند (مرکز مطالعات سیاست‌گذاری، مدیریت و نوآوری سینا، ۱۳۸۸: ۳۸).

اگرچه در چند دهه گذشته به‌ویژه از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ به این سو انجمن‌های علمی زیادی در ایران معجز فعالیت گرفتند اما از تاریخ تشکیل انجمن‌های علمی در ایران اطلاع دقیقی نیست. به نظر می‌رسد «پیش از تشکیل انجمن‌های علمی، انجمن‌های صنفی که فعالیت علمی نیز داشته‌اند به وجود آمده‌اند» (شیبانی، ۱۳۷۳: ۸۵). طبق گزارش‌های موجود اولین انجمن علمی در ایران انجمن فیزیک ایران و انجمن شیمی ایران بوده است که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی تشکیل شد و تا سال ۱۳۲۰ افراد معدودی به‌طور مقطعی در آن فعالیت داشتند. در آن زمان قانون خاصی برای تأسیس انجمن‌های علمی وجود نداشت، اما قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ مقرر کرده بود، تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری با ثبت در وزارت عدلیه به‌عنوان شخصیت حقوقی قلمداد شوند و تأسیس انجمن‌های علمی نیز مشمول نظام‌نامه قانونی وزارت عدلیه بود. در سال ۱۳۳۷ موادی از قانون تجارت اصلاح شد و ثبت تشکیل مؤسسات غیرتجاری مانند امور علمی و ادبی و خیریه‌ای تدوین شد. در مرور تاریخی فعالیت اجتماعات علمی در ایران گفته می‌شود، کانون مهندسين ایران در سال ۱۳۲۰ و انجمن ماماهاى ایران در سال ۱۳۲۳ تشکیل شد. انجمن گروه پزشکی خلیج فارس با مشارکت پزشکان ایرانی و خارجی در سال ۱۳۲۷ در منطقه خلیج فارس تشکیل شد. انجمن‌های علمی گروه فنی مهندسی و انجمن نفت ایران در سال ۱۳۳۷ در پی فعالیت‌های صنعتی و اهداف علمی تأسیس شدند. سایر انجمن‌های علمی این گروه از سال ۱۳۵۰ به بعد تأسیس شدند (مرکز مطالعات سیاست‌گذاری، مدیریت و نوآوری سینا، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰). همین مختصر نشان می‌دهد که این انجمن‌ها حسب ضرورت و به‌عنوان نهادهای مدنی به‌طور عمده توسط کنشگران هر حرفه



اجتماع علمی «یک نهاد مدنی‌ای دارای نظام هنجاری و تعاملاتی خاص و مورد وفاق کنشگران علم برای فعالیت علمی است». و اخلاق حرفه‌ای علم نیز «مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط ایجابی و سلبی حرفه‌ای پذیرفته‌شده در اجتماع علمی و راهنمای کنشگران در فرایند آموزش، پژوهش، نشر و کاربرد علم است» (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰). در واقع یک نظام اخلاقی راهنمای کنش‌های حرفه‌ای علمی و یک نظام تعاملاتی اخلاقمند حرفه‌ای مورد وفاق کنشگران علمی، ارکان اصلی تشکیل یک اجتماع علمی حرفه‌ای هستند.

و به صورت خودانگیخته تأسیس می‌شدند. طرح تشکیل انجمن‌های علمی و حمایت از آن‌ها در سال ۱۳۴۹ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی پیشنهاد شد و در چهارمین شورای هماهنگی دانشگاه‌ها به تصویب رسید. انجمن فیزیک اولین انجمنی بود که پس از تصویب این طرح با همکاری وزارت علوم در سال ۱۳۴۹ تأسیس شد. بهبود روش تدریس و تحقیق در دانشگاه‌ها، ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دستگاه‌های تابعه، فراهم ساختن تبادل نظر و برخورد عقاید اعضای هیئت علمی آموزش عالی، ایجاد تحرک در مؤسسات علمی کشور و فراهم کردن زیربنای لازم برای تحقیقات از اهدافی بود که از سوی وزارت علوم برای تشکیل انجمن‌های علمی عنوان شد (شیبانی، ۱۳۷۳: ۸۶).

در گزارشی از کمیسیون انجمن‌های علمی تاریخچه انجمن‌های علمی در ایران به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره قبل از ۱۳۴۰ که به علت تعداد اندک متخصصان در یک رشته، فعالیت‌ها فقط شامل نشست‌ها و جلسات چند متخصص بود. نظیر جامعه شیمی دانان ایران، کانون مهندسين ایران و مجمع وکلای دادگستری. دوره دوم، فعالیت انجمن‌های علمی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ که نقش وزارت علوم در تشکیل انجمن‌های علمی کاملاً محسوس است. در سال ۱۳۴۹ شمار انجمن‌ها به هفتاد و هشت رسید. در سال‌های انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت‌های فوق‌تعدادی با وقفه روبه‌رو شد اما پس از سال فعالیت آن‌ها دوباره آغاز شد. از دوره سوم، از سال ۱۳۷۰ صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی در حیطه اختیارات کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری قرار گرفت (کمیسیون انجمن‌های علمی، ۱۳۸۹: ۱). در حال حاضر نزدیک به چهارصد انجمن علمی در ایران در گروه‌های تخصصی علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، علوم انسانی، بین‌رشته‌ای و هنر در فهرست کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری وجود دارد. همین‌جا یادآوری می‌شویم که همه این انجمن‌ها لزوماً فعال نیستند و نتایج پژوهش ما نشان می‌دهد درصد پایینی از این انجمن‌ها فعالیت حرفه‌ای و مؤثری در رشته‌هایشان دارند (قاراخانی، میرزایی، ۱۴۰۰). بسیاری از این انجمن‌های کم‌رمق و ثبت شده بر روی کاغذ، حاصل همین توسعه بالا به پایین و آسیب‌زای علم در ایران هستند. سایر انجمن‌های علمی نیز بایستی گزارش فعالیت خود را به‌طور سالانه برای کمیسیون انجمن‌های علمی ارسال کنند و نشان دهند که فعال هستند. برخی از انجمن‌ها برای پر کردن جدول سالانه فعالیت‌هایشان به ناگزیر به فعالیت‌های صوری و نمایشی هم روی می‌آورند تا بتوانند خود را فعال نشان دهند. تعدادی از انجمن‌ها نیز را کد هستند.

کارکرد انجمن‌های علمی

توجه به کارکردهای اصلی انجمن‌های علمی از جمله مشاوره به دولت، انتقال تکنولوژی و چانه‌زنی با ساختار دولتی، حفظ سنت‌ها، هنجارها و اخلاق حرفه‌ای در هر رشته، ایجاد ایدئولوژی علمی و خلیقات به قصد تقویت تعامل علمی با دانشمندان، ایجاد هویت عاطفی و حقیقت‌آفرینی از جمله وظایفی است که شارع‌پور و فاضلی (۱۳۸۶) در کتاب جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران به آن اشاره کردند. اما مطالعه آسیب‌شناسانه عبداللهی (۱۳۸۱) به فاصله انجمن‌های علمی در ایران از اهداف استراتژیک خود و نیز عملکرد ضعیف آن‌ها در رابطه با نقش علمی و صنعتی‌شان اشاره می‌کند. او از دیدگاه جامعه‌شناختی انجمن علمی را چنین تعریف می‌کند: «نوعی نهاد مستقل که از به هم پیوستن یا اجتماع آگاهانه و داوطلبانه اصحاب یک رشته علمی پدید می‌آید تا از طریق تعامل آزاد، خردمندانه و به‌دور از سلطه بتواند بین صاحبان هر تخصص زمینه لازم را برای پیشبرد علم و تنظیم و ترویج اصول و قواعد جمعی یا اخلاق کار و فعالیت و پیوند علم و عمل در آن رشته علمی فراهم نماید». عبداللهی، اهداف انجمن علمی را به‌عنوان نهادی مستقل برای رهبری علمی و صنعتی کنشگران یک تخصص در دو محور اهداف علمی رشته‌ای و اهداف حرفه‌ای



توجه به کارکردهای اصلی
انجمن‌های علمی از جمله
مشاوره به دولت، انتقال
تکنولوژی و چانه‌زنی با ساختار
دولتی، حفظ سنت‌ها،
هنجارها و اخلاق حرفه‌ای در
هر رشته، ایجاد ایدئولوژی
علمی و خلیقات به قصد تقویت
تعامل علمی با دانشمندان،
ایجاد هویت عاطفی و حقیقت
آفرینی از جمله وظایفی است
که شارع‌پور و فاضلی (۱۳۸۶)
در کتاب جامعه‌شناسی علم و
انجمن‌های علمی در ایران به
آن اشاره کردند. ۱

تفکیک می‌کند. تنظیم اصول و قواعد عمل جمعی و یا اخلاق کار به‌عنوان یکی از کارکردهای انجمن‌های علمی است که عبداللهی به‌درستی اهمیت آن را درک نموده، به آن توجه داشته و به‌عنوان یکی از اهداف حرفه‌ای انجمن‌ها بیان کرده است.

سوی مطالعات کارکردی و آسیب‌شناسانه انجمن‌های علمی در ایران که به نقش و جایگاه انجمن‌های علمی می‌پردازد برخی پژوهشگران نیز یافته‌هایی مبنی بر انتظارات و توقعات انجمن‌های علمی برای مشارکت در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری علم در ایران به دست داده‌اند. به نظر فراستخواه و قانع‌راد (۱۳۸۶) مسئولین انجمن‌های علمی انتظار دارند نقش فعالی در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی داشته باشند. زیرا آن‌ها خود را دارای توانمندی حرفه‌ای می‌دانند و اذعان دارند بر خورداری نظام سیاست‌گذاری علمی در ایران از مشارکت فعال انجمن‌های علمی، نه تنها به کارایی و اثربخشی سیاست‌های نظام علمی می‌انجامد بلکه در بهبود عملکرد انجمن‌ها در سایر ابعاد آن نیز اثرگذار است. با وجود این‌که ظهور انجمن‌های علمی ایرانی و گسترش آن‌ها را می‌توان نقطه قوتی برای توسعه علم به‌مثابه یک فعالیت مدنی در ایران در نظر گرفت، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد انجمن‌های علمی عملکرد مناسبی ندارند. خلیفه سلطانی (۱۳۸۸) در بررسی عملکرد انجمن‌های علمی با سه شاخص (۱) تولیدات علمی (کتاب اعم از تألیف و ترجمه، نشریه (گاهنامه، خبرنامه، ماهنامه، فصلنامه و سالنامه) و نیز زبان انتشارات (ملی و فراملی) نظم انتشارات، تیراژ، درج علمی نشریه)، (۲) آموزش و گردهمایی (تعداد کارگاه، دوره‌های آموزشی، عضویت در انجمن‌های بین‌المللی) و (۳) کارکردهای علمی (تعداد شعب، تعداد اعضای حقیقی و حقوقی، تعداد کمیته‌های تخصصی، اعطای بورس تحصیلی، اهدای جوایز و حمایت محققان) که از طریق پیمایش با اعضای ۴۵ انجمن علمی از گروه‌های مختلف انجام شده بر این یافته صحه می‌گذارد که بسیاری از شاخص‌های تعیین‌کننده برای تصمیم‌گیری‌های علمی از طریق شبکه سیاست‌گذاری سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ که در آن‌ها انجمن‌های علمی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی آن محسوب شوند شرایط مناسبی ندارند. توجه داشته باشیم که این شاخص‌ها عمدتاً کمی بوده و براساس این شاخص‌های کمی عملکرد انجمن‌ها ضعیف است. اگر شاخص‌های کیفی سنجش عملکرد انجمن‌های علمی ملاک مطالعه قرار گیرد آنگاه موضوع آشکارتر خواهد شد. در پژوهش دیگری ملک (۱۳۸۸) به شناسایی سه عامل؛ وضعیت علوم انسانی، ویژگی‌های نظام سیاست‌گذاری و ویژگی‌های انجمن‌های علمی در ممانعت از ایفای نقش مؤثر انجمن‌های علمی علوم انسانی به‌ویژه در نظام سیاست‌گذاری علم می‌پردازد. به نظری نظام سیاست‌گذاری علمی و وضعیت انجمن‌های علمی علوم انسانی خود به‌عنوان عواملی بازدارنده در فرایند تکررگویی در سیاست‌گذاری علم عمل می‌کنند.

چنین به نظر می‌رسد که ظرفیت مدنی و مشارکت نهادی انجمن‌های علمی در ساختار نظام علمی کشور در پایین‌ترین سطوح آن تعریف شده است و به همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که انجمن‌های علمی بالقوه از آن برخوردارند و نظام علمی کشور می‌تواند از آن بهره‌مند شود، توجه نشده است. چنانچه یکی از کارکردهای اصلی که از انجمن‌های علمی انتظار می‌رود تقویت فضای هنجاری علم و ارتقای شرافت علمی است. با فرض کاستی‌ها و آسیب‌های پیش روی انجمن‌های علمی ایران و شرایط هنجاری که خود آن‌ها در آن قرار دارند، همچنان امید است که استقلال نسبی انجمن‌های علمی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به‌رغم محدودیت‌ها، هم‌ایجابی و هم‌سلبی در جهت ارتقای اخلاق حرفه‌ای و صیانت از علم و دانش معتبر تلاش نمایند و این مسئولیت را برای انجمن‌های علمی هر رشته ماهوی می‌دانیم. به گفته لویند و یتکویچ (۲۰۰۳) دانشمندان می‌دانند درست و نادرست چیست و رعایت استانداردهای شرافت علم را مهم می‌دانند اما به‌هر روی ممکن است ناراستی‌هایی هم رخ دهد. انجمن‌های علمی برای پرداختن و اندیشیدن به ناراستی‌های علم بایستی توجه داشته باشند که جلوگیری یا کنترل کامل سوء رفتار ممکن نیست. بلکه بایستی صرفاً



**مسئولین انجمن‌های علمی
انتظار دارند نقش فعالی در
سیاست‌گذاری و ارزیابی
نظام علمی داشته باشند.
زیرا آن‌ها خود را دارای
توانمندی حرفه‌ای می‌دانند و
اذعان دارند بر خورداری نظام
سیاست‌گذاری علمی در ایران
از مشارکت فعال انجمن‌های
علمی، نه تنها به کارایی و
اثربخشی سیاست‌های نظام
علمی می‌انجامد بلکه در بهبود
عملکرد انجمن‌ها در سایر
ابعاد آن نیز اثرگذار است.**

درکی از میزان وجود این مسائل داشته باشند. اگرچه هر مصداقی از یک سوء رفتار را نباید به عنوان یک فاجعه اخلاقی تلقی کرد و میزان معمول و اندکی انحراف از هنجار، که معادل «خطای عادی» در کارهای مهندسی است، در هر عملکرد انسانی وجود دارد. با این حال، انجمن‌ها باید به درستی تمهیداتی بیندیشند که با چنین انحرافات مقابله کرده و آن را به حداقل برسانند، پیش از آن که آن سوء رفتار، به تدریج سطح اخلاق رشته را تحلیل ببرد (کیلیق، ۲۰۰۳: ۲۲۶) و رویه ناراست و نابهنجار، به هنجار رایج و غالب تبدیل و نهادینه و ساخت مند شود (بنگرید به قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۴). گام نخست برای دستیابی به این هدف، آن است که انجمن‌های علمی در این مورد آگاهی داشته باشند و حساسیت‌های نظری و عملی نسبت به این موضوع برانگیخته شود.

در دوره کنونی، انجمن‌های علمی به عنوان منبع مهمی از هویت حرفه‌ای عمل می‌کنند و دانشمندان عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای را راهی برای ملاقات و برقراری کنش متقابل با همکارانشان و نیز به عنوان اجتماعی برای ارائه کارهایشان می‌دانند (فرانکل و برد، ۲۰۰۳: ۱۳۹). به گفته این دو پژوهشگر، دانشمندان در یک رشته خاص نه تنها معمولاً پیشینه‌های آموزشی مشترکی دارند، بلکه در مجلات مشابه مقاله چاپ می‌کنند، پیشنهادهای تأمین بودجه یکدیگر را ارزیابی می‌کنند، به مبادله دانشجویان و آموزش‌گیرندگان می‌پردازند و برای آن‌ها معرفی‌نامه‌ها صادر می‌کنند و یک «شرح درس پنهانی» را به اشتراک می‌گذارند. در نتیجه، انجمن‌های علمی با ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش رسمی و غیررسمی در زمان مناسب از طریق تدوین معیارها و قراردادهای اجتماعی حرفه‌ای اعمال نفوذ قابل توجهی بر اعضای هم‌تراز دارند. همچنین به گفته امانوئل (۱۹۹۵) انجمن‌های علمی همچون یک حرفه‌ای از طرف حرفه خود صحبت می‌کنند و جایگاه خاصی در میان افراد علاقه‌مند داشته و مسئولیت ویژه و سنگینی در قبال شناخت و ترویج استانداردها برای حفظ انسجام علمی بر عهده دارند (به نقل از برد، ۱۹۹۸: ۳۱۶). فرانکل و برد، فهرستی از کارکردهای انجمن‌های حرفه‌ای ارائه می‌دهند و آن‌ها را بستر ایده‌آلی می‌دانند که از طریق آن‌ها اعضای هم‌تراز می‌توانند ارزش‌ها و معیارهای حرفه‌ای خود را شفافیت بخشند. انتظارات مربوط به رفتار همکارانشان را تصریح کنند و در جهت سازگاری بریکدیگر تأثیر بگذارند. آن‌ها اغلب ضرورت توسعه کدنامه‌های اخلاق حرفه‌ای یا خطوط راهنمای اخلاقی را تشخیص می‌دهند و علاوه بر آن تنوعی از فعالیت‌ها و استراتژی‌ها را به منظور اجرای مسئولانه پژوهش انجام می‌دهند (فرانکل و برد، ۲۰۰۳: ۱۴۰). انجمن علمی در جایگاهی است که می‌تواند با پرداختن به طیفی از کنش‌ها، ارتقای رفتار مسئولانه در پژوهش را محقق نماید. انجمن‌های علمی به عنوان یک گروه هنجاری مرجع، نقش برجسته‌ای در زندگی حرفه‌ای اعضا دارند و به عنوان نهادهای مستمر و بادوام متولیان ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق برای اعضایشان هستند. نهادی که توسط اعضایش شکل گرفته و در جهت کمک به نسل‌های بعدی دانشمندان جایگاه ویژه‌ای برای تحقق ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق دارند (آیورسون و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۴۱).

تقریباً در اغلب متونی که به وظایف حرفه‌ای انجمن‌ها پرداخته‌اند، بر این‌که انجمن‌ها مجموعه‌ای از ارزش‌های مبتنی بر رشته علمی و نیز ارزش‌های تاریخی و سنتی جامعه را به اعضایشان انتقال می‌دهند، تأکید شده است. انجمن‌های علمی می‌توانند ظرفیت‌های خود را برای تبدیل شدن به یک اجتماع علمی تکوین یافته و دستیابی به اجماع هنجاری و اخلاقی در فضای علم به کارگیرند. آن‌ها با فراهم کردن زمینه توسعه ساختارهای تعاملاتی و هنجاری، می‌توانند به خلاقیت فکری و توسعه علم در ایران کمک نمایند. نقش انجمن‌های علمی در توسعه هنجارهای اخلاق حرفه‌ای و ضمانت اجرایی آن به این دلیل مطرح است که چنین فرض می‌شود فضای تعاملاتی درونی آن‌ها به‌دوراز سلسله مراتب سازمانی و بوروکراتیک است.



انجمن علمی در جایگاهی است که می‌تواند با پرداختن به طیفی از کنش‌ها، ارتقای رفتار مسئولانه در پژوهش را محقق نماید. انجمن‌های علمی به عنوان یک گروه هنجاری مرجع، نقش برجسته‌ای در زندگی حرفه‌ای اعضا دارند و به عنوان نهادهای مستمر و بادوام متولیان ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق برای اعضایشان هستند. نهادی که توسط اعضایش شکل گرفته و در جهت کمک به نسل‌های بعدی دانشمندان جایگاه ویژه‌ای برای تحقق ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق دارند

جمع بندی

اکنون بیش از چهارصدسال از تأسیس اولین انجمن های علمی در جهان و همچنین نزدیک نود سال از تأسیس اولین انجمن علمی حرفه ای در ایران می گذرد. برای ما مهم است که بدانیم این انجمن ها که اکنون جایگاهی کانونی و هویت بخش در حرفه ها و رشته های علمی و آکادمیک در کشورهای توسعه یافته دارند چه نقشی در ترویج اخلاق حرفه ای علم در ایران دارند؟ به ویژه بدانیم واکنش نزدیک به چهارصد انجمن علمی کنونی ایران وفق فهرست موجود وزارتخانه، درباره وضعیت کنونی اخلاق علم و آنچه بر سر علم و نهادهای علمی در ایران می رود چیست؟ آیا آن ها به مسئولیت های حرفه ای خود در قبال حرفه / رشته علمی شان به طور خاص و علم در ایران به طور عام واقف اند؟

مطالعات ما نشان می دهد که در مجموع، انجمن های علمی در ایران فاصله زیادی با مسئولیت های حرفه ای شان در رابطه با اخلاق علم دارند. این بدان معنی نیست که این انجمن ها نسبت به مسئله اخلاق علم حساس نیستند بلکه منظور این است که به رغم حساسیت های بیان شده، انجمن های علمی در ایران اقدامات چندانی در صیانت از علم و حرفه های علمی خود نکرده اند. به ضرورت اخلاق علم هنوز توجه چندانی نشده است و بسیاری از انجمن های علمی در ایران در اساسنامه هایشان اساساً اشاره ای به اخلاق حرفه ای علم یا پروتکل های اخلاقی فعالیت علمی در رشته فعالیت هایشان نکرده اند. از این رو، موضوع اخلاق علم در ساختار انجمن های علمی ایرانی اغلب مغفول مانده است. به عنوان یک دلیل ساده تصور اولیه ما این بود که انجمن های علمی در ایران به عنوان نمایندگان مدنی حرفه های علمی از استقلال نسبی کافی برخوردارند. اما شواهد نشان می دهد که این انجمن ها نیز بند نافشان به ساختار بالا به پایین وزارت علوم تحقیقات و فناوری بسته است. این وابستگی بوروکراتیک و موقعیت کنونی انجمن های علمی در ساختار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در اصل مغایر با ماهیت وجودی و اجتماعی انجمن های علمی به عنوان نهادهای مدنی و مستقل حرفه های علمی است. نوعی نقض غرض است. از این رو، ظرفیت های اجتماعی و مدنی انجمن های علمی پایمال پایبندی های بوروکراتیکشان در ساختار وزارتخانه می شود و آن ها را از تأثیرگذاری و نقش مرجعیتشان می اندازد.

به ساده ترین شکل مبنای توسعه علم، اخلاق علم است و اخلاق علم هم پدیده ای اجتماعی و حاصل توافق درونی اجتماعات علمی بر سر نظام ارزش ها و قواعد عام و خاص کنش حرفه ای رشته های علمی است. از این رو توسعه آمرانه و بالا به پایین علم که بیشتر تابع دستور کار سیاسی علم در ایران است به طور عام مغایر با ماهیت اجتماعی و مدنی علم، بی توجه به اخلاق علم و ناقض اجتماعات مدنی علم در ایران است. از این منطق وارونه انتظار اخلاق علم و در نتیجه، علم و پیدایش اجتماعات علمی مسئولانه و دارای مرجعیت نمی رود. راه حل بازگشت به اجتماعات مدنی و اتخاذ رویکرد توسعه تعاملی و دانش محور، پرهیز از مداخلات سیاسی و ایدئولوژیک در فرایندهای علمی و رهاسازی انجمن های علمی از فرایندهای فرمالیته بوروکراتیک است.

منابع

- آراسته، حمید (۱۳۸۳) فلسفه انجمن های علمی، رهیافت، شماره ۳۲، بهار، صص ۲۶-۲۲.
- ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۷۲) اجتماع علمی، ساختار و هنجارهای آن، رهیافت، تابستان و پاییز، صص ۴۰-۳۰.
- امیرشیبانی، محمدعلی (۱۳۷۳) نگرش تاریخی به انجمن های علمی در ایران، رهیافت، شماره ۶، بهار، صص ۸۹-۸۰.
- شارع پور، محمود و محمد فاضلی (۱۳۸۶) جامعه شناسی علم و انجمن های علمی در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



انجمن های علمی در ایران
فاصله زیادی با مسئولیت های
حرفه ای شان در رابطه با
اخلاق علم دارند. این بدان
معنی نیست که این انجمن ها
نسبت به مسئله اخلاق
علم حساس نیستند بلکه
منظور این است که به رغم
حساسیت های بیان شده،
انجمن های علمی در ایران
اقدامات چندانی در صیانت
از علم و حرفه های علمی
خود نکرده اند. به ضرورت
اخلاق علم هنوز توجه چندانی
نشده است و بسیاری از
انجمن های علمی در ایران
در اساسنامه هایشان اساساً
اشاره ای به اخلاق حرفه ای
علم یا پروتکل های اخلاقی
فعالیت علمی در رشته
فعالیت هایشان نکرده اند.



انجمن‌های علمی می‌توانند
ظرفیت‌های خود را برای
تبدیل شدن به یک اجتماع
علمی تکوین یافته و دستیابی
به اجماع هنجاری و اخلاقی
در فضای علم به‌کارگیرند.
آن‌ها با فراهم کردن زمینه
توسعه ساختارهای تعاملاتی
و هنجاری، می‌توانند به
خلاقیت فکری و توسعه
علم در ایران کمک نمایند.
نقش انجمن‌های علمی در
توسعه هنجارهای اخلاق
حرفه‌ای و ضمانت اجرایی آن
به این دلیل مطرح است که
چنین فرض می‌شود فضای
تعاملاتی درونی آن‌ها به‌دوراز
سلسله‌مراتب سازمانی و
بوروکراتیک است.

عبداللہی، محمد (۱۳۸۱) «عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه ترویج و توسعه علم و اخلاق علمی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۱، بهار، صص ۶۳-۴۷.

دورکیم، امیل (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.

رزنیک، دیوید (۱۳۹۴) جایگاه اخلاق پژوهش علمی، ترجمه عباس کاردان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

خلیفه سلطانی، حشمت (۱۳۸۸) مدلی برای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست‌گذاری، نقش انجمن‌های علمی در سیاست‌گذاری‌های علمی، پایان‌نامه دکتری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز.

فرستخواه، مقصود و سید محمدامین قانعی‌راد (۱۳۸۶) «نقش انجمن‌های علمی و دانشگاهیان در نظام سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور»، رهیافت، شماره ۴۱، صص ۱۲-۵.

قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (۱۴۰۰) اخلاق علم و انجمن‌های علمی در ایران، تهران: آگاه (زیر چاپ).

قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۹۷) اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.

قانعی‌راد، سید محمدامین (۱۳۸۵) تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مرکز مطالعات سیاست‌گذاری، مدیریت و نوآوری سینا (۱۳۸۸) طراحی سیستم و تدوین رویه‌های اجرایی کمیسیون انجمن‌های علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، زمستان.

کمیسیون انجمن‌های علمی (۱۳۸۹) اولین شماره خبرنامه کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کمیسیون انجمن‌های علمی، شماره اول، خرداد.

ملک، حسن (۱۳۸۸) تحلیل جامعه‌شناسی سیاست‌های علمی در ایران با تأکید بر نقش انجمن‌های علمی در حوزه علوم انسانی، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۹۳) اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طرح پژوهشی.

وستفال، ریچارد (۱۳۸۷) تاریخ پیدایش علم جدید، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و رضا رضایی، تهران: نشرنی.

Anderson, Melissa S. and Joseph B. Shultz (2003) The Role of Scientific Associations in Promoting Research Integrity and Deterring Research Misconduct, Science and Engineering Ethics, Volume 9, Issue 2, pp. 269-272.

Bird, Stephanie J. (1998) The Role of Professional societies: Codes of Conduct and Their Enforcement, Science and Engineering Ethics, Volume 4, Issue 3, 315-320.

Bullock, Merry and Sangeeta, Panicker (2003) Ethics for All: Differences Across Scientific Society Codes, Science and Engineering Ethics, Volume 9, Issue 2, 159-170.

Caelleigh, Addeane S. (2003) Roles for Scientific Societies in Promoting Integrity in Publication Ethics, Science and Engineering Ethics, Volume 9, Issue 2, 221-24.

Frankel, Mark S. & Stephanie J. Bird (2003) The Role of Scientific Societies in Promoting Research Integrity, Science and Engineering Ethics Volume 9, Issue 2, pp. 139-140.

Levineand, Felice J. & Joyce M. Iutcovich (2003) Challenges in Studying the Effects of Scientific Societies on Research Integrity, Science and Engineering Ethics, Vol. 9, Issue 2, 257-268.

Iutcovich, Joyce M. & John M. Kennedy and Felice J. Levine (2003) "Establishing an Ethical Climate in Support of Research Integrity: Efforts and Activities of the American Sociological Association", Science and Engineering Ethics, Vol. 9, Issue 2, pp. 201-205.

Iverson, Margot; Mark S. Frankel, and Sanyin, Siang (2003) Scientific Societies and Research Integrity: What Are They Doing and How Well Are They Doing It?, Science and Engineering Ethics, Volume 9, Issue 2, pp. 141-158.